

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره پنجم، پاییز ۱۴۰۱: ۹۹-۷۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی وضعیت همباشی در ایران: فراترکیب پژوهش‌های همباشی

محمدجواد چیت‌ساز*

چکیده

انقلاب جنسی اواخر دهه ۱۹۶۰ به تغییر گفتمان جنسی و تغییر اساسی در نگرش‌ها، اخلاق و رفتار جنسی در بسیاری از کشورهای غربی منجر شد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج در این کشورها بوده است. این الگوی روابط جنسی پیش از ازدواج به تدریج نقاط دیگر جهان را نیز فراگرفت. این دگرگونی از رابطه جنسی اسطوره‌زدایی کرد و علاوه بر افزایش سن ازدواج، زمینه‌های پیدایی همباشی را به وجود آورد. ایران اسلامی نیز از تحولات در امان نمانده است و نزدیک دو دهه است که زمزمه‌هایی از رواج این الگوی ازدواج در ایران شنیده می‌شود و پژوهش‌هایی را که عمدتاً به روش کیفی انجام شده است، برانگیخته است. این مطالعه قصد دارد با ترکیب یافته‌های این پژوهش‌ها به درک بهتر این پدیده و ارائه تصویری کلی از وضعیت همباشی در ایران اقدام کند. این مطالعه با روش فراترکیب انجام شده است. جست‌وجو در مهم‌ترین پایگاه‌های اطلاعات فارسی با کلیدواژه همباشی، هم‌خانگی، هم‌بالینی و ازدواج سفید در محدوده زمانی بین سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۴۰۰ انجام شد. از مجموع مقالات به دست آمده نهایتاً ۱۴ مقاله با توجه به معیارهای ورود و خروج تحقیقات انتخاب شد. همباشی در ایران در میان طبقات متوسط شهری، گروه‌های سنی جوان و تحصیل‌کردگان دانشگاهی رواج یافته است. تجربیات جهانی از روند افزایشی آن حکایت دارد. در ایران اسلامی به دلیل غیرقانونی بودن و مجازات شدید در صورت افشای آن، از میزان آن اطلاعی در دست نیست

* استادیار گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

ولی بررسی داده‌های نگرش‌سنجی حاصل از پیمایش‌های ملی در دهه نود نشان از افزایش موافقت با این پدیده در سطح نگرشی دارد. در تحلیل این پدیده بایستی به سنخ‌های متفاوت همباشی توجه کرد. حداقل با دو سنخ از همباشی در ایران روبه‌رو هستیم؛ سنخ اول بیشتر در قالب یک نوع الگوی روابط پیش از ازدواج قابل طبقه‌بندی است و سنخ دوم همباشی به‌عنوان بدیل ازدواج محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: همباشی، هم‌خانگی، هم‌بالینی، ازدواج سفید.

مقدمه

خانواده واحد بنیادین جامعه و یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که اساس و پایه حیات اجتماعی محسوب می‌شود. بررسی نهاد خانواده در قرن اخیر حکایت از تغییر و تحولات عمیق در آن دارد. گیدنز معتقد است در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ‌کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسی - حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۱). شکل‌گیری اشکال مختلف خانواده و تحول در امر ازدواج یکی از تحولاتی است که در حوزه خانواده در جهان صورت گرفته است؛ براین اساس ازدواج به‌عنوان مبنای تشکیل خانواده دچار تغییر و تحول شده است. تغییراتی که موجب شده تا مردان و زنان نگرشی نوینی به پیوند زناشویی و ازدواج داشته باشند. همباشی یکی از الگوهای تغییرشکل‌یافته ازدواج است. تفاوت همباشی با ازدواج در این است که شکل رسمی ندارد؛ در نتیجه بسیاری از مراحل بوروکراسی را در هنگام ثبت و همچنین طلاق در پی نخواهد داشت. همچنین این الگو بیش از آن که مبتنی بر تعهد رسمی باشد، بر علاقه طرفین استوار است. البته همباشی می‌تواند مقدمه‌ای برای ازدواج رسمی باشد و به‌عنوان یکی از الگوهای رابطه جنسی قبل از ازدواج مورد بررسی قرار گیرد.

انقلاب جنسی اواخر دهه ۱۹۶۰ به تغییر گفتمان جنسی و تغییر اساسی در نگرش‌ها، اخلاق و رفتار جنسی در بسیاری از کشورهای غربی منجر شد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج در این کشورها بوده است. این دگرگونی از رابطه جنسی اسطوره‌زدایی کرد و علاوه بر افزایش سن ازدواج زمینه‌های پیدایی همباشی را به وجود آورد. بر اساس نظر نازی، گسترش همباشی در کشورهای غربی، مهم‌ترین تغییر در شکل الگوی تغییر خانواده در پنجاه سال اخیر بوده است (نصرتی‌نژاد و بهرامی، ۱۳۹۶: ۳۷). گیدنز در کتاب «جامعه‌شناسی» می‌نویسد: «در بریتانیا تا همین اواخر هم‌بالینی را عموماً نوعی رسوایی می‌دانستند. پیمایش عمومی خانوار که منبع اصلی داده‌های مربوط به الگوهای خانوارهای بریتانیایی است، فقط در ۱۹۷۹ بود که برای نخستین بار مقوله هم‌بالینی را وارد پرسش‌های خود کرد؛ اما در میان مردم بریتانیا و سایر نقاط اروپا، ایستارهای مربوط به هم‌بالینی در حال تغییرند. طی چهل سال گذشته تعداد کسانی که در بریتانیا پیش از ازدواج زندگی هم‌بالینی

داشته‌اند، ۴۰۰ درصد افزایش داشته است. از زنانی که در دهه ۱۹۲۰ متولد شده بودند، فقط ۴ درصد و زنانی که در دهه ۱۹۴۰ متولد شده‌اند، ۱۹ درصد زندگی هم‌بالینی داشته‌اند؛ اما در میان زنانی که در دهه ۱۹۶۰ متولد شده‌اند، این درصد تقریباً به ۵۰ درصد می‌رسد» (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶: ۲۸۷). آمار همباشی در سراسر جهان با روند روبه‌رشدی مواجه است. در سال ۲۰۱۲، حدود هشت میلیون زوج در آمریکا زندگی همباشی داشتند. در انگلستان این آمار از ۲ میلیون نفر در سال ۲۰۰۱ به حدود سه میلیون نفر در سال ۲۰۱۰ افزایش پیدا کرده است (ر.ک: Fox, 2014). امروزه همباشی نه تنها در کشورهای توسعه‌یافته که حتی در کشورهای در حال توسعه نیز در حال فراگیر شدن است. بررسی استیو و همکارانش (۲۰۱۲) در آمریکای لاتین نشان می‌دهد که همباشی در این کشورها در چند دهه اخیر گسترش چشم‌گیری داشته است. همباشی فقط مختص کشورهای غربی نیست بلکه در آسیا نیز گزارش شده است. به‌عنوان مثال در ژاپن از سه درصد در سال ۱۹۸۷ به ۸ درصد در ۲۰۰۵ رسیده و در چین نیز در سال‌های بعد از ۱۹۷۰ همسو با کشورهای غربی افزایش پیدا کرده است (ر.ک: Yu, Xie, 2015). انقلاب جنسی و اشاعه آن در نقاط گوناگون جهان ابتدا با تغییر نگرش‌ها به روابط جنسی پیش از ازدواج زمینه گسترش کمی آن را در میان جوانان فراهم آورد و در مرحله بعد، با افزایش تنوع این روابط، زمینه‌های شکل‌گیری همباشی را در کشورهای متعدد مهیا کرد (زاهدی اصل و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۸۳). جامعه ایرانی نیز از تغییرات اجتماعی- فرهنگی جهان مصون نمانده است؛ به‌گونه‌ای که خانواده‌های ایرانی نیز با قرار گرفتن در فرایند نوسازی در عرصه‌های گوناگون و از جمله مناسبات بین دو جنس، در فرایند کشمکش فرهنگی الگوهای سنتی و مدرن، وارد مرحله انتقالی شده‌اند و ضمن حفظ برخی از عناصر سنتی خود، برخی ویژگی‌های جامعه جدید را نیز دریافت کرده‌اند. تغییرات ارزشی در ایران در سال‌های اخیر بر مناسبات اجتماعی تأثیرگذار بوده و تبعات متعددی برای جامعه به همراه داشته است. در سال‌های اخیر، زندگی مشترک پنهانی بدون ازدواج (همباشی) در شهرهای بزرگ رایج شده است. همباشی در ایران به زندگی مشترک یک زوج بدون هیچ‌گونه قرارداد شرعی یا قانونی گفته می‌شود. ماهیت پنهانی این نوع زندگی مشترک دسترسی به آمار در این باره را مشکل می‌کند. در کشور ما موضوع همباشی در دو دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

بررسی تحولات در خانواده از این منظر ضروری است که هر نوع تغییری در جامعه ایرانی ریشه در خانواده دارد و همچنین اصلی‌ترین تغییرات در نظام اجتماعی ایرانی، یا به‌واسطه خانواده محقق شده یا اینکه جهت‌گیری آن معطوف به خانواده بوده است، لذا بررسی و مطالعه تغییرات در حوزه خانواده به‌ویژه تغییرات فرهنگی و ارزشی خانواده ایرانی از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. با رسانه‌ای شدن موضوع همباشی، در جامعه علمی کشور، تلاش‌هایی برای توصیف و تبیین موضوع آغاز شد و تحقیقات چندی را برانگیخت. در سال‌های اخیر، با توجه به افزایش چشمگیر پژوهش‌های علمی، حجم قابل‌قبولی از پژوهش‌ها حول موضوع همباشی شکل گرفته که برای بررسی دقیق‌تر و روشن کردن مسیر آینده باید مورد بازخوانی قرار گیرد.

بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه همباشی نشان می‌دهد اکثر این پژوهش‌ها با روش کیفی انجام شده است. در حال حاضر در میان مطالعات حوزه علوم اجتماعی، تعداد مطالعاتی که برای بررسی و تفسیر پدیده‌ها از روش‌های کیفی بهره می‌برند، روبه‌افزایش بوده و در بسیاری از موضوعات می‌توان مطالعات کیفی متعددی را یافت که پدیده مشترکی را بررسی کرده‌اند. تعدد مطالعات کیفی در مورد یک پدیده، این امکان را فراهم آورده تا با سنتز آنها بتوان خروجی‌های جدیدی ایجاد کرد. شواهد حاصل از سنتز مطالعات کیفی می‌تواند بینشی عمیق را به پدیده مورد مطالعه ارائه دهد. (Ring, et al, 2011: 18) سنتز تحقیقات کیفی اجازه می‌دهد تا دانش حاصل از مطالعات کیفی در مورد پدیده‌ای خاص درک وسیع‌تر، عمیق‌تر و جامع‌تر از آن پدیده حاصل شود. (Aguire & Bolton, 2014: 280) تحقیقات متفاوتی به بررسی وضعیت همباشی و علل و عواملی که باعث پیدایی همباشی در جامعه ایرانی می‌شود، انگیزه‌ها و پیامدهای آن پرداخته‌اند؛ درحالی‌که این عوامل به‌صورت جداگانه و در سطوح متفاوت و جمعیت‌های متفاوت بررسی شده است. این مطالعه در نظر دارد با ترکیب نتایج این مطالعات تصویری کلی از وضعیت این پدیده در ایران ارائه کند.

پیشینه

در مورد پیشینه پژوهش با سه دسته از پژوهش‌ها روبه‌رو هستیم؛ دسته اول پژوهش‌هایی که با روش فراترکیب انجام شده، در موضوعاتی است که ارتباطی مستقیم

با موضوع مقاله ندارند و باعث شده تا بخش پیشینه بسیار مطول و حجیم شود. به نظر، نیاز به جرح و تعدیل دارد. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد. مبینی دهکردی و کشتکار هرانکی (۱۳۹۵) با استفاده از روش فراترکیب، یافته‌های مطالعات صورت گرفته در مورد مدل‌های نوآوری اجتماعی را به صورت نظام‌مند بررسی کرده و بر اساس فرایند شکل‌گیری و دستاورد خروجی، به تحلیل آنها پرداخته است. طیبی ابوالحسنی و خاشعی ورنامخواستی (۱۴۰۰) تلاش کرده‌اند به کمک روش فراترکیب به بررسی دقیق‌تر مفهوم استراتژی باز در قالب چیستی آن بپردازند. صالح‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷) با هدف تحلیل کیفی نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه منزلت کارکنان، به فراترکیب پژوهش‌های حوزه منزلت کارکنان، پرداخته‌اند. کنعانی آذری و همکاران (۱۳۹۹) با استفاده از روش فراترکیب و با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل تأثیرگذار و همچنین پیامدهای ناشی از فرسودگی شغلی در جامعه پرستاران به فراترکیب پژوهش‌های حوزه فرسودگی شغلی پرداخته‌اند. اسمعیلی و اسماعیلی (۱۳۹۷) با هدف آگاهی از کیفیت زندگی سالمندان برای انجام مداخلات صحیح مراقبتی و حمایتی، به فراترکیب پژوهش‌های این حوزه اقدام کرده‌اند. نصرالهی و همکاران (۱۳۹۷) با هدف ترکیب تحلیل‌ها و یافته‌های مطالعات کیفی انجام شده در حوزه بازی‌های دیجیتال سیاسی و جنگی از روش تحلیل کیفی فراترکیب استفاده کرده‌اند. عباسی و همکاران (۱۳۹۸) با هدف بررسی یکپارچه پژوهش‌های انجام شده در حوزه سرمایه اجتماعی با استفاده از روش فراترکیب به فراترکیب پژوهش‌های این حوزه اقدام کرده‌اند. کمالی و همکاران (۱۳۹۹) با هدف پژوهش شناسایی و دسته‌بندی سازوکارهای پیشگیری و مبارزه با فساد اداری در ایران و با استفاده از روش فراترکیب، یافته‌های این پژوهش‌ها را که بیانگر سازوکارهای پیشگیری و مبارزه با فساد اداری بوده‌اند، بررسی کرده‌اند. نصیری فیروز و همکاران (۱۴۰۰) با هدف شناسایی مؤلفه‌ها و ارائه الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در نظام آموزش عالی و با استفاده از روش فراترکیب به‌مرور نظام‌مند پژوهش‌های این حوزه اقدام کرده‌اند.

دسته دوم پیشینه این پژوهش، پژوهش‌هایی است که به بررسی پدیده همباشی در ایران پرداخته است که از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد:

حسینی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی رویکرد جوانان شهر تهران به همباشی اقدام کرده‌اند. دو رویکرد اصلی خوش‌بینانه و منفی‌نگر حاصل این واکاوی است که هر دو مبتنی بر نوعی از عقلانیت وبری است. به این معنا که افراد با رویکرد منفی‌نگر این پدیده را به دلیل مغایرت مذهبی، فرهنگی، قانونی، هنجاری و در نهایت غیرعقلانی بودن آن، بر اساس عقلانیت معطوف به ارزش، رد و کنش ناظر به ارزش‌ها را برمی‌گزینند. دسته دوم اگرچه بر اساس دلایلی همچون بازی نقش و گریز از مواجهه با مشکلات ازدواج و احتمالاً تجربه تلخ طلاق، آن را انتخابی عقلانی می‌دانند. امیدوار و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود، به مطالعه پدیده همباشی از منظر صاحب‌نظران روحانی و جامعه‌شناس و با روش تماتیک و مصاحبه عمیق با هفت روحانی و هفت جامعه‌شناس پرداخته‌اند. با توجه به مضامین اصلی و فرعی استخراج شده از مصاحبه‌ها، از نظر روحانیون عوامل تأثیرگذار بر رشد پدیده همباشی عبارت‌اند از: عوامل دینی (نداشتن دانش دینی، استفاده نکردن از دانش روحانیون، نامتعارف بودن ازدواج موقت، تقدس‌زدایی از دین و تخریب معنویت)، عوامل فرهنگی (الگوپذیری از غرب، کژکارکرد شدن سنت‌ها و عرف و هنجارشکنی دختران)، عوامل اجتماعی (پذیرش رشد همباشی و تأثیر رسانه‌ها)، عوامل اقتصادی (حسابگرانه عمل کردن و شرایط نامناسب اشتغال)، عوامل سیاسی (کاهش عمل‌گرایی و وضع نکردن قانون تنبیه) و عوامل فردی (رفع تمایلات جنسی). از نظر جامعه‌شناسان نیز عوامل تأثیرگذار بر رشد پدیده همباشی عبارت‌اند از: عوامل اجتماعی (فردگرایی، رشد عقلانیت، رشد مدرنیته، ضرورت اجتماعی و رشد کارکرد منفی خانواده)، عوامل فرهنگی (گمنامی، آموزش ندادن، شکل‌گیری رابطه سیال عاطفی، پذیرش دوستی دختر و پسر، سنت‌شکنی و جاذبه همباشی)، عوامل اقتصادی (مصرف‌گرایی، بی‌ثباتی اقتصادی و افزایش هزینه‌های زندگی)، عوامل فردی (رضایت از زندگی همباشی، ترس از طلاق و ویژگی‌های شخصیتی متفاوت). سبحانی‌نیا (۱۳۹۹) در پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته مشاوره دانشگاه الزهراء، به بررسی تجربه زیسته جوانان به شیوه همباشی اقدام کرده است. بر اساس نتایج این پژوهش، همباشی به‌عنوان نوعی همزیستی ناپایدار غیررسمی ناکارآمد و رابطه‌ای بی‌قیدوشرط باعث ایجاد نگرش منفی نسبت به زن برای تشکیل خانواده شده و نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای ازدواج باشد. ارضای موقتی امیال، مشکلات شخصیتی، فردزدگی و تفکرات

روشنفکر مآبانه در کنار تنهایی، کمبودهای عاطفی در خانواده، لذت‌گرایی به دلیل غلبه نیازهای جنسی و تنوع‌طلبی باعث سوق دادن جوانان به همباشی شده است. همچنین حس پیوندجویی و مهرطلبی جهت رفع نیازهای عاطفی و احساسی از سایر سوق‌دهنده‌های درونی به همباشی محسوب شده است. تناقض در پذیرش همباشی و محدودیت‌های قانونی باعث پنهانی بودن رابطه در همباشان شده است. پیامدهای این پدیده شامل تجربه استرس‌های ناشی از غیرقانونی بودن، پنهانی بودن، تنزل سلامت جسمی و روانی فرد بوده که منجر به ایجاد احساسات منفی بعد از رابطه و همچنین دستاوردهای هیجانی و ناپایدار در همباشی شده است. مکوندی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان دانشگاه الزهراء، به بررسی نگرش زنان و مردان مجرد شهر تهران به همباشی اقدام کرده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین نگرش به همباشی در بین پاسخ‌گویان تقریباً متوسط است. مقایسه میانگین نگرش به همباشی در دو گروه زنان و مردان نشان داد که مردان نگرش مثبت‌تری نسبت به زنان در خصوص مسئله همباشی دارند.

دسته سوم پژوهش‌هایی است که با استفاده از روش فراترکیب به‌مرور نظام‌مند پژوهش‌های حوزه همباشی اقدام کرده‌اند. مرور این نوع مقالات نشان داد تنها یک مقاله با این ویژگی یافت شد. نصرتی و بهرامی (۱۳۹۶) به بررسی عوامل تعیین‌کننده همباشی اقدام کرده‌اند. این مطالعه با روش مرور نظام‌مند انجام شده است. نتایج نشان داد که سه سطح از عوامل بر گرایش به همباشی تأثیرگذار هستند. در سطح کلان، سیاست‌های لیبرالیستی و نئولیبرالیستی، کالایی شدن و سیالیت زندگی مدرن از عوامل مؤثر هستند؛ در سطح میانه، وضعیت خانوادگی، فرهنگ و دین و در سطح خرد، آسودگی خاطر طرفین، عقلانیت اقتصادی، سن، جنس و تحصیلات افراد از جمله عوامل تعیین‌کننده زندگی است که به گرایش همباشی منجر می‌گردد.

وجه تمایز مطالعه حاضر با پژوهش نصرتی و بهرامی، به تمایز در جامعه آماری و هدف کلی پژوهش بازمی‌گردد. در پژوهش حاضر، جامعه آماری مقالات منتشر شده در مجلات علمی و پژوهشی داخل ایران با موضوع همباشی است و هیچ‌یک از مقالات استفاده شده در پژوهش نصرتی و بهرامی، در این پژوهش استفاده نشده است. هدف کلی این مطالعه ارائه تصویری کلی از وضعیت پدیده همباشی با استفاده از مقالات منتشره

شده در دو دهه اخیر است، این در حالی است که مقاله نصرتی با هدف ارائه عوامل تعیین‌کننده همباشی (به‌طور کلی و نه ناظر به همباشی در ایران) تدوین شده است.

چارچوب مفهومی

ترجمه‌های متعددی از اصطلاح «cohabitation» وجود دارد که از آن جمله می‌توان به همباشی، هم‌خانگی و هم‌بالینی اشاره کرد. در فرهنگ علوم اجتماعی آلن بیرو (۱۳۹۶)، «cohabitation» به هم‌بالینی ترجمه و بدین صورت تعریف شده است: زندگی مشترک بین یک زن و یک مرد بدون آنکه با یکدیگر قرارداد زوجیت بسته باشند. رابطه جنسی در زندگی مشترک مفروض است. در دانشنامه علوم اجتماعی به هم‌خانگی ترجمه و چنین تعریف شده است: هم‌خانگی هم‌سکنایی موقتی است و مبتنی بر توافق غیررسمی که نه مستلزم تعهدی مادام‌العمر به باهم بودن است و نه دال بر آن (وینست. ان‌پاریلو، ۱۳۹۵).

مکلین پنج نوع همباشی را مشخص کرده است که عبارت‌اند از:

۱) رابطه موقت، گاه‌به‌گاه و سرسری

۲) آشنایی و همراهی عاطفی

۳) ازدواج آزمایشی

۴) جانشین موقت ازدواج

۵) جانشین دائمی ازدواج (Macklin, 1980: 290)

زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی با عناوین مختلف در ایران شناخته می‌شود؛ «همباشی»، «هم‌بالینی»، «هم‌خانگی» و «ازدواج سفید» تعابیر متفاوتی است که در نام‌گذاری بر این پدیده از آن یاد شده است. در واقع زندگی مشترک بدون ازدواج (شرعی، عرفی و قانونی) یک زوج غیرهم‌جنس با یکدیگر است (مکوندی، ۱۳۹۶: ۱۸). دو مفهوم ازدواج موقت و ازدواج معاطاتی مفاهیمی هستند که با این مفهوم قرابت‌هایی دارد که به‌مرور این دو مفهوم خواهیم پرداخت.

ازدواج موقت یا مُتَعَه یا نکاح مُنْقَطَع نوعی ازدواج است که زن با قرائت صیغه‌ای، خود را برای مدت معلوم و با مهریه که تعیین شده به ازدواج مرد درمی‌آورد (رشیدی نژاد و

واحدیاریجان، ۱۳۹۸: ۹۶). در ازدواج موقت قصد طرفین بر ازدواج، ایجاب و قبول لفظی، اذن ولی در ازدواج دختر باکره، تعیین زمان و مهریه، از شروط عمده عقد منقطع است که در ازدواج سفید وجود ندارد.

ازدواج معاطاتی نوعی ازدواج است که در فقه شیعه مورد قبول نیست. معاطات به معنای انعقاد عقد بدون تشریفات خاص و الفاظ به خصوص است. نکاح معاطاتی ازدواجی است که به منظور تشکیل خانواده و روابط جنسی میان دو جنس مخالف برقرار می شود، اما فاقد ایجاب و قبول لفظی است. در این ازدواج ممکن است طرفین بر مهریه، نفقه و سایر حقوق بین زوجین توافق کنند (ر.ک: رضایی، ۱۳۹۴) ولی در فقه شیعه، فقها در نهایت عقد نکاح معاطاتی را نپذیرفته اند. بر اساس ماده ۱۹۳ قانون مدنی، معاطات جز در مواردی که قانون استثناء کرده، صحیح است؛ از جمله موارد استثناء شده، عقد نکاح است. در ماده ۱۰۶۲ این قانون آمده است: «نکاح به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر عقد ازدواج کند، واقع می شود». به نظر بیشتر فقهای شیعه، مانند محقق بحرانی، شیخ انصاری و امام خمینی، بطلان نکاح معاطاتی مورد اجماع علمای شیعه و اهل سنت است (ر.ک: قنبریان، ۱۳۹۶).

روش

این مطالعه از نوع مطالعات کیفی است. روش تحقیق روش فراترکیب انتخاب شد. روش فراترکیب یکی از روش های جدید سنتز در حوزه مطالعات کیفی است که می تواند در گسترش و خلق تئوری ها، محققان علوم اجتماعی را یاری رساند. مطالعات کیفی دیدگاه های مستقل از یک پدیده خاص را ارائه می کنند که یک گروه ویژه در یک وضعیت اختصاصی تجربه کرده است، اما ترکیبی از این مطالعات در فراترکیب به ما اجازه می دهد ببینیم که تجربه مشترک این پدیده چیست و جنبه هایی متفاوت آن کدامند؟ (Aguirre & Bolton, 2014: 283).

فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که یافته های سایر تحقیقات کیفی در زمینه یک موضوع را به عنوان داده به کار می گیرد؛ بنابراین، نمونه های مطالعه فراترکیب را مطالعات کیفی تشکیل می دهند که محقق بر اساس سؤال پژوهشی موردعلاقه، آنها را وارد

مطالعه می‌کند (Sandelowski, 2008: 105). در واقع « فراترکیب به گروهی از رویکردها و روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای سنتز و ترکیب یافته‌های مطالعات کیفی با هدف ارائه تفسیر جدیدی از پدیده تلاش می‌کنند (Finfgeld-Connett, 2006: 894). فراترکیب یک فرآیند است که شامل گام‌های گسسته‌ای است که محقق را قادر می‌سازد تا یک پرسش تحقیق خاص را شناسایی کرده و سپس به جست‌وجو، انتخاب، ارزیابی، خلاصه کردن و ترکیب شواهد برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق بپردازد. جامعه آماری این پژوهش عبارت بود از کلیه مقالات پژوهشی حاصل از مطالعات کیفی در خصوص همباشی (هم‌خانگی، ازدواج سفید) که در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بود از مقالاتی که در مجلات علمی- پژوهشی به چاپ رسیده باشد، مرتبط با موضوع همباشی باشد، در بازه زمانی پژوهش قرار گرفته باشد و روش تحقیق کیفی باشد. روش اجرای پژوهش بدین‌صورت بود که ابتدا با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع شامل همباشی، هم‌خانگی، هم‌بالینی و ازدواج سفید، مقالات پژوهشی در پایگاه‌های اطلاعاتی همچون نورمگز، پرتال جامع علوم انسانی، مگ ایران، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی جست‌وجو شد. در جست‌وجوی اولیه و بدون محدودیت زمانی ۱۳۴ مقاله یافت شد که با استفاده از معیارهای ورود و خروج و حذف موارد تکراری به ۵۴ مقاله کاهش یافت. سپس با بررسی عنوان و چکیده مقالات در نهایت ۳۰ مقاله باقی ماند. در ادامه با بررسی کل متون مقالات و حذف مقالاتی که در مجلات علمی- پژوهشی به چاپ نرسیده بودند، در نهایت ۱۴ مقاله انتخاب شد. در جدول زیر ویژگی‌های عمومی این مقالات ارائه شده است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های عمومی پژوهش‌ها

ردیف	محقق	موضوع	سال	شهر	تعداد نمونه
۱	ابراهیمی، مرضیه	علل، زمینه‌ها و پیامدها	۱۳۹۸	تهران	۱۰
۲	احمدوند شاهوردی، محمد؛ حسین رضاپور؛ مسعود غلامعلی لواسانی	واکاوی تجربه همباشی و انگیزه‌ها	۱۴۰۰	تهران	۱۰
۳	اعتمادی فرد، سیدمهدی؛ غزاله حسینی	آسیب‌شناسی ازدواج سفید	۱۳۹۸	اصفهان	۱۶
۴	اکبرزاده فاطمه؛ سیدعلی هاشیمان‌فر	گونه‌شناسی تجربه تعهد در همباشی	۱۳۹۸	تهران	۱۸
۵	امجدی، فرزانه؛ عالیبه شکر بیگی؛ سعید معدنی	علل و پیامدها	۱۳۹۹	تهران	۱۶
۶	امیدوار، پوران؛ پروانه دانش؛ فاطمه جواهری	شرایط، زمینه‌ها و پیامدها	۱۳۹۷	تهران	۲۰
۷	آزاد ارمکی، تقی؛ محمدحسین شریفی ساعی؛ مریم ایثاری؛ سحر طالبی	زمینه‌ها و بسترهای بروز	۱۳۹۱	اسلامشهر	۲۱
۸	آقایی، مجید	علل گرایش به همباشی	۱۳۹۸	گیلان	۱۴
۹	رضانعی‌فر، حدیثه؛ محمدعلی آدیش	علل گرایش و پیامدها	۱۳۹۷	تهران	۱۵
۱۰	زاهدی اصل، محمد؛ منصور فتحی؛ رقیه محمدزاده	فهم تجارب همباشی و پیامدها	۱۴۰۰	تهران	۱۶
۱۱	سهراب‌زاده، مهران؛ میلاد نورزی؛ اسماعیل عسکری کویری	انگیزه‌ها و زمینه‌ها	۱۳۹۶	اصفهان	۳۰

۱۲	فرامرزی، فرزانه؛ محمدصادق مهدوی؛ فرح ترکمان	ارائه تصویری از بر ساخت واقعیت اجتماعی همباشی	۱۳۹۶	تهران	۱۵
۱۳	کریمیان، نادر؛ سمانه سالاری؛ بختیار می‌کاری	علل و انگیزه‌ها	۱۳۹۳	بندرعباس، تهران، کرمان	۲۳
۱۴	گلچین، مسعود؛ سعید صفری	زمینه‌ها، فرایند و پیامدها	۱۳۹۶	تهران	۱۶

میزان همباشی در ایران و روند آن در آینده

همباشی پدیده‌ای منتج از زندگی مدرن است. این شیوه همزیستی در اصل صورت‌بندی جدیدی از زندگی مشترک زن و مرد است که به‌ویژه پس از انقلاب جنسی در غرب ظهور یافته است و در کشورهای مختلف مثل آلمان شرقی و سوئد به‌صورت هنجار درآمده و در دانمارک به‌اندازه ازدواج رواج دارد. در انگلستان ابتدا پذیرفته نبود و رسوایی محسوب می‌شد ولی هنوز هم به نظر می‌رسد آن‌گونه که در سوئد موضوعی عادی است، در انگلستان فراگیر نیست و جایگزین ازدواج نشده است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۴۵۲).

بررسی همباشی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد این پدیده در کشورهای مختلف جهان رواج یافته حتی گزارش‌های مختلفی از رواج آن در کشورهای اسلامی دارد. ایران اسلامی از این پدیده مصون نمانده و در سال‌های اخیر گزارش‌هایی از رواج آن در قشر تحصیل‌کرده به گوش می‌رسد. مواجهه با این پدیده در ابتدا با انکار آن شروع شد به‌طوری‌که دکتر گلزاری از مسئولان وقت وزارت ورزش و جوانان در مصاحبه با خبرگزاری فارس رواج این پدیده را انکار می‌کند. شاید اظهار نظر سردار طلایی عضو شورای شهر تهران در ابتدای دهه ۹۰ اولین تأیید بر رواج این پدیده در کلان‌شهرها باشد (اعتماد، دوشنبه ۱۱ دیماه ۱۳۹۱، شماره ۲۵۸۲). با رواج این پدیده در کلان‌شهر تهران و دیگر کلان‌شهرهای ایران دیگر جایی برای انکار آن باقی نمی‌ماند و انجام پژوهش‌های متعدد دانشگاهی تأییدی بر رواج آن ایران است. پژوهش‌های انجام شده عمدتاً به روش کیفی و با مصاحبه با تعداد معدودی از افراد دارای تجربه همباشی انجام شده است و داده متقنی از میزان رواج این پدیده در کشور در دست نیست. داده‌هایی که در اختیار

داریم، به حوزه نگرش‌سنجی درباره همبستگی باز می‌گردد و می‌تواند ما را در تحلیل روند و آینده همبستگی در ایران کمک کند. اولین داده‌ای که در اختیار داریم، مربوط به موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان است که در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. در این پیمایش ملی از پاسخ‌گویان خواسته شده است میزان موافقت و مخالفت خود را با همبستگی بیان کنند. بر اساس داده‌های این پیمایش ۹۱/۳ درصد پاسخ‌گویان مخالفت خود را این پدیده ابراز داشته، در مقابل ۲/۷ درصد نیز با زندگی دختر و پسر بدون ازدواج رسمی موافق بوده‌اند. پیمایش ملی خانواده در سال ۱۳۹۸ نیز به این موضوع پرداخته است و میزان موافقت و مخالفت با همبستگی سؤال شده است. بررسی داده‌های این پیمایش نشان از رشد میزان موافقت جامعه ایرانی با همبستگی دارد. بر اساس این پیمایش، ۸۰/۲۵ درصد پاسخ‌گویان با همبستگی مخالف و ۹/۷۵ درصد با این پدیده موافق بوده‌اند. بررسی داده‌های این دو پیمایش ملی نشان از رشد میزان موافقت با همبستگی در جامعه ایرانی دارد و احتمال رواج بیشتر این نوع همزیستی در کلان‌شهرها و در بین گروه‌های تحصیل‌کرده دانشگاهی جوان می‌رود؛ بنابراین بایستی در مواجهه با پدیده از رویکرد انکار و منفی‌گرایانه دست برداشت و با سیاست‌گذاری صحیح این پدیده را به حداقل ممکن رساند.

جدول شماره ۲: میزان موافقت با همبستگی در موج سوم پیمایش ارزش‌ها و

نگرش‌های ایرانیان ۱۳۹۵

با زندگی دختر و پسر بدون ازدواج رسمی (قانونی) چقدر موافق یا مخالفید؟

درصد	موارد
۶۲/۳	کاملاً مخالف
۲۹	مخالف
۴/۲	نه موافق و نه مخالف
۱/۹	موافق
۰/۸	کاملاً موافق
۹۸/۲	پاسخ معتبر
۱/۸	بدون پاسخ
۱۰۰	جمع

جدول شماره ۳: میزان موافقت با همباشی در پیمایش ملی خانواده ۱۳۹۸

زندگی دختر و پسر بدون ازدواج رسمی (قانونی) اشکالی ندارد.

درصد	موارد
۳۴/۵۵	کاملاً مخالف
۴۵/۷	مخالف
۶/۴	تا حدودی
۷/۱۵	موافق
۲/۶	کاملاً موافق
۳/۷	نظری ندارم
۱۰۰	جمع

جدول شماره ۴: میزان موافقت و مخالفت با زندگی دختر و پسر بدون ازدواج رسمی (قانونی) برحسب گروه‌های سنی در موج سوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان

۱۳۹۵ و پیمایش ملی خانواده ۱۳۹۸

کاملاً مخالف		مخالف		تا حدودی		موافق		کاملاً موافق		
۱۳۹۸	۱۳۹۵	۱۳۹۸	۱۳۹۵	۱۳۹۸	۱۳۹۵	۱۳۹۸	۱۳۹۵	۱۳۹۸	۱۳۹۵	
۲۷/۹	۵۹/۴	۴۳/۳	۳۲	۱۰/۳	۵/۳	۸/۵	۲/۲	۳/۹	۱	۲۹-۱۵ سال
۳۴/۹	۶۴/۱	۴۶/۸	۲۹	۵/۷	۴/۳	۷/۱	۲	۲/۳	۰/۶	۴۹-۳۰ سال
۴۳/۳	۶۸/۳	۴۵/۷	۲۶/۷	۲/۸	۲/۹	۵/۱	۱/۳	۱/۲	۰/۷	۵۰ سال و بالاتر

یافته‌ها:

الف) ویژگی‌های کلی

(۱) تعبیر استفاده شده برای نام‌گذاری این پدیده

بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که از تعبیر مختلف برای تسمیه این پدیده استفاده است. هم‌خانگی، همباشی و ازدواج سفید مفاهیمی هستند که محققین برای نام‌گذاری

این موضوع استفاده کرده‌اند. ازدواج سفید و هم‌خانگی هرکدام با ۳۵/۷ درصد بیشترین فراوانی را داشته‌اند و هم‌خانگی با ۲۱/۴ درصد در ردیف بعدی قرار دارد.

جدول شماره ۵: تعابیر استفاده شده در پژوهش‌ها

درصد	تعداد	تعابیر
۲۱/۴	۳	همباشی
۷/۲	۱	همباشی (ازدواج سفید)
۳۵/۷	۵	هم‌خانگی
۳۵/۷	۵	ازدواج سفید
۱۰۰	۱۴	جمع

(۲) تاریخ انتشار مقالات

بررسی مقالات منتشرشده از حیث تاریخ انتشار نشان می‌دهد در دهه هشتاد هیچ مقاله‌ای در این مورد چاپ نشده است و تمامی مقالات در دهه نود به انتشار رسیده است. از کل مقالاتی که در دهه نود به انتشار رسیده است، تنها ۱۴ درصد در نیمه اول دهه نود و بقیه (۸۶ درصد) در نیمه دوم دهه نود انتشار پیدا کرده است. بررسی این موضوع نشان می‌دهد که به‌تازگی این موضوع مورد توجه محققین قرار گرفته است و یا اینکه اجازه طرح این موضوع به‌طور عمومی داده شده است.

جدول شماره ۶: تاریخ انتشار مقالات

درصد	تعداد	تاریخ انتشار
۱۴/۳	۲	۱۳۹۵-۱۳۹۱
۸۵/۷	۱۲	۱۴۰۰-۱۳۹۶
۱۰۰	۱۴	جمع

(۳) مدت همباشی

بررسی مدت‌زمان و سابقه همباشی افراد مصاحبه‌شده نیز نشان می‌دهد اکثر افراد زیر پنج سال سابقه همباشی داشته‌اند، اگرچه سابقه همباشی ۱۰ تا ۲۰ سال نیز گزارش شده است.

جدول شماره ۷: مدت زمان همباشی

درصد	تعداد	مدت زمان همباشی
۷۱	۲۷	۱-۳ سال
۷/۹	۳	۴-۵ سال
۱۵/۸	۶	۵-۱۰ سال
۵/۳	۲	۱۰ سال و بیشتر
۱۰۰	۳۸	جمع

(۴) محل جمع‌آوری اطلاعات

بررسی جامعه آماری این پژوهش‌ها نشان می‌دهد اکثر این پژوهش‌ها در شهر تهران (۶۲/۵ درصد) انجام شده است. شهر اصفهان با ۱۲/۵ درصد و شهرهای گیلان، بندرعباس، کرمان و اسلامشهر با ۶/۲۵ درصد در ردیف‌های بعدی قرار دارد؛ مانند بسیاری از تحولات دیگر ابتدا در تهران و با فاصله کوتاهی در شهرهای بزرگ و سپس شهرهای کوچک و روستاها درگیر تحولات و تغییرات فرهنگی و اجتماعی می‌شوند.

جدول شماره ۸: مدت زمان همباشی

درصد	تعداد	محل جمع‌آوری اطلاعات
۶۲/۵	۱۰	تهران
۱۲/۵	۲	اصفهان
۶/۲۵	۱	گیلان
۶/۲۵	۱	بندرعباس
۶/۲۵	۱	کرمان
۶/۲۵	۱	اسلامشهر
۱۰۰	۱۶	جمع

(۵) سن افراد

بررسی مقالاتی که اطلاعات جمعیت‌شناسی افراد مصاحبه‌شونده را منتشر کرده‌اند نشان می‌دهد این افراد عمدتاً در گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال قرار دارند. اگرچه نمونه‌هایی نیز سن خود را ۲۲ تا ۲۴ سال و در مواردی سن مصاحبه‌شونده‌ها بالای ۳۵ سال (۳۶ تا ۵۰ سال) نیز گزارش شده است.

۶) میزان تحصیلات

از نظر تحصیلات تقریباً ۹۰ افراد دارای تحصیلات عالی هستند. در بین این افراد اکثریت دارای لیسانس و دانشجوی لیسانس و در ردیف بعدی فوق لیسانس و دکتری گزارش شده است. چند مورد نیز میزان تحصیلات خود را دیپلم ذکر کرده‌اند.

جدول شماره ۹: میزان تحصیلات

درصد	تعداد	میزان تحصیلات
۹/۶	۷	دیپلم
۱/۴	۱	کاردانی
۳۸	۲۸	کارشناسی
۲۲	۱۶	کارشناسی ارشد
۸/۲	۶	دکتری
۲۲	۱۶	دانشجو (در مقاطع مختلف تحصیلی)

۷) وضعیت اشتغال

بررسی داده‌های پژوهش‌هایی که اطلاعات نمونه خود را منتشر کرده‌اند نشان می‌دهد بیش از ۹۰ درصد افراد که مبادرت به همباشی کرده‌اند شاغل بوده‌اند. البته از نظر وضعیت اشتغال بسیاری شغل پاره‌وقت داشته‌اند.

ب) شرایط علی همباشی

شرایط علی یا سبب‌ساز، معمولاً آن دسته از رویدادها و وقایع هستند که بر پدیده‌ها تأثیر می‌گذارند (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۵۲). بررسی پژوهش‌ها نشان از این دارد که از عوامل مختلفی به‌عنوان شرایط علی همباشی ذکر شده است. از طرف دیگر بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد توافق بر سر شرایط علی وجود ندارد و در پژوهش یک عامل به‌عنوان شرایط علی و در پژوهش دیگر به‌عنوان شرایط مداخله‌گر معرفی شده است. با وجود این، می‌توان از عوامل زیر به‌عنوان شرایط علی همباشی در پژوهش‌ها یاد کرد.

۱) تغییر نگرش جوانان به ازدواج و ارزش‌های خانوادگی

به دنبال تحولات بنیادین اقتصادی و اجتماعی‌ای که در پی مدرن‌سازی جوامع پدید آمده است، دگرگونی‌های فراوانی در ساختار خانواده و به‌تبع آن کارکردهایش در سراسر جهان ایجاد شد. یکی از این تغییرات در حوزه ازدواج صورت گرفته است.

جامعه ایران در سال‌های اخیر، همگام با دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی و ارتباط با جامعه جهانی، تغییرات گوناگونی یافته است. ارزش‌ها و نگرش‌ها درباره نهاد خانواده، ازدواج و شیوه‌های همسرگزینی از جمله زمینه‌هایی بوده‌اند که در معرض این تغییرات و دگرگونی‌ها قرار گرفته‌اند. بررسی داده‌های پیمایش ملی خانواده نشان می‌دهد اگرچه در مجموع نگرش مثبتی به ازدواج در جامعه ایرانی وجود دارد، ولی نسل‌های جوان‌تر جامعه ایرانی در مقایسه با نسل‌های پیشین خود نگرش منفی‌تری به ازدواج دارند. همچنین در مجموع نسل‌های مختلف جامعه ایرانی نگرش سنتی به ازدواج دارند ولی شاهد رشد گرایش به نگرش مدرن به ازدواج در میان نسل‌های جوان جامعه ایرانی هستیم. گرایش مدرن به ازدواج در مواردی چون: مخالفت بیشتر نسل سوم با شرط باکره بودن زن در هنگام ازدواج، موافقت بیشتر بلاشکال بودن رابطه دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج، موافقت بیشتر با بلاشکال بودن رابطه جنسی برای دختران و پسران ازدواج‌نکرده و موافقت بیشتر نسل جوان ایرانی با زندگی دختر و پسر بدون ازدواج رسمی نشان از رشد گرایش‌های مدرن به ازدواج در نسل جوان ایرانی دارد. این مسئله از این منظر قابل توجه است که این موارد با هنجارها و ارزش‌های جامعه ایرانی سازگاری ندارد و بدین ترتیب با چالش‌ها و تضادهایی در سطح نسل‌های مختلف روبه‌رو خواهیم بود (ر.ک: چیت‌ساز، ۱۴۰۰).

۲) تقدم بلوغ جنسی بر بلوغ اقتصادی و اجتماعی

برای نسل گذشته ازدواج و تشکیل خانواده در اولویت افراد بعد از رسیدن به سن بلوغ بوده است؛ اما برای نسل جدید داشتن تحصیلات دانشگاهی آن‌هم در مقاطع بالا و به دنبال آن یافتن شغل مناسب و به عبارتی کسب اعتبار اجتماعی، چه برای دختران و چه برای پسران، در اولویت‌های اولیه است. پس طبیعتاً برای رسیدن به این اهداف ازدواج و تشکیل خانواده به تأخیر می‌افتد و از طرفی چون جامعه ما در شرایط حاضر با تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان بیکار مواجه است، سن ازدواج بالا می‌رود. لازمه ازدواج و تشکیل خانواده به شکل سنتی داشتن شغل مناسب و مهم‌تر از همه امنیت شغلی است که رسیدن آن به دلایل مختلف از جمله افزایش متقاضیان کار و کاهش ایجاد اشتغال و همچنین جمعیت زیاد جوانان با تحصیلات عالیه که متقاضی شغل مناسب و متناسب با رشته تحصیلی خود هستند، محقق نمی‌شود. از طرف دیگر ازدواج و تشکیل خانواده

با شیوه و رسم و رسوم سنتی هزینه‌های زیادی را می‌طلبد. پس با این شرایط بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی فاصله می‌افتد (ر.ک: امیدوار و همکاران، ۱۳۹۷).

۳) استقلال مالی در زنان

یکی از عواملی که در این پژوهش‌ها به‌عنوان سبب‌ساز همباشی ذکر شده است، استقلال مالی زنان است. از مجموع مباحث ارائه‌شده در این مورد چنین استنباط می‌شود که با ورود مدرنیته مشارکت زنان در آموزش عالی افزایش می‌یابد و از طرف دیگر نرخ اشتغال زنان افزایش پیدا می‌کند. با افزایش سطح تحصیلات زنان و اولویت یافتن تحصیلات و اشتغال، سن ازدواج افزایش پیدا می‌کند و در مواردی باعث از دست دادن فرصت‌های ازدواج می‌شود و هم‌زمان باعث تحولات فرهنگی و اجتماعی در زنان خواهد شد. در این پژوهش‌ها چنین استدلال شده است که تحصیلات بالا و استقلال مالی زنان زمینه‌ساز پیشرفت آنان و حضور پررنگ‌تر در جامعه و به‌تبع آن اعتمادبه‌نفس بالا در آنان می‌شود. دیگر به‌مانند گذشته زنان زیر علم مردسالاری نرفته و بی‌چون‌وچرا قوانین سخت و آمرانه مردان را نمی‌پذیرد. زمانی که زنان از نظر مالی وابسته به خانواده نباشند، راحت‌تر می‌توانند در برابر ازدواج‌های سنتی و اجباری مقاومت کنند؛ زیرا در صورت رانده شدن از طرف خانواده می‌توانند گلیم خود را از آب بیرون بکشند و مستقل زندگی کنند.

۴) باورهای فمینیستی

اعتقاد به باورهای فمینیستی از دیگر شرایط علیّی پیدایش همباشی است. اعتقاد فرد به باورهای فمینیستی به این معنا است که زن باید مستقل باشد و الگوهای جنسیتی رایج در ازدواج به شیوه مرسوم، موردپذیرش او نیست و طرفدار آزادی زنان و برابری میان مرد و زن است. از طرف دیگر، در ازدواج مرسوم، باورهای وی چه در بعد قانونی و چه در بعد نظام نقشی، نقض می‌شوند؛ بنابراین به سبک زندگی‌ای مانند هم‌خانگی گرایش پیدا می‌کند که در آن امکان عمل به باورهای فمینیستی وجود دارد (گلچین و صفری، ۱۳۹۶: ۵۴).

ج) زمینه‌ها و بسترهای همباشی

شرایط زمینه‌ای، مجموعه خاصی از شرایطی هستند که در یک زمان و مکان خاص، جمع می‌شوند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل / تعامل‌های خود به آنها پاسخ می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۵۴). بررسی پژوهش‌ها

نشان می‌دهد زمینه‌های خانوادگی (کاهش کنترل و نظارت خانواده، کاهش تعامل با خانواده)، تضعیف نظارت اجتماعی (بی‌نظارت بودن در حریم شخصی و در سطح جامعه در کلان‌شهرها) به‌عنوان یکی از بسترهای فراهم‌کننده شرایط برای اقدام به همباشی ذکر شده است. گمنامی حاصل از زیستن در شهرهای بزرگ بستر مناسبی برای تجربه همباشی را فراهم می‌کند، ضعف اعتقاد دینی (دین‌گریزی یا کاهش حساسیت‌های دینی) و گرایش به زندگی سکولار از دیگر مشخصه‌های اصلی زوج‌های هم‌خانه است که در زنان با توجه به گرایش‌های فمینیستی و برابری طلبانه بیشتر بود. زنان دین یا حداقل قرائت‌های سنتی از دین را که آنها را محدودتر می‌کند، قبول ندارند و این نوع زندگی را نوعی مقاومت در برابر فشار دینی می‌دانند. البته جهانی شدن و گسترش فرهنگ سکولار و اومانیسم در گرایش به این نوع ازدواج‌های غیررسمی بی‌تأثیر نیست. از دیگر بسترها و زمینه‌های همباشی در پژوهش‌ها می‌توان تسهیل روابط دختر و پسر در شهرهای بزرگ، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش طلاق و مهاجرت‌های شغلی و تحصیلی را نام برد.

د) شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر، مواردی هستند که شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییر می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۵۴). در پژوهش‌های مورد بررسی، عضویت در گروه‌های دوستی دارای تجربه همباشی، رسانه و فضای مجازی از طریق تسهیل ارتباط و پیشرفت ارتباط عاطفی در فضای مجازی و درگیری در فرایند عاشقانه از شرایط مداخله‌گر نام برده شده است.

ه) پیامدها

هر جا انجام شدن یا انجام نشدن عمل / تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی به وجود می‌آید (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۵۶). پیامدهای هم‌خانگی با توجه به نوع مانعی که بر سر راه ادامه رابطه زوجین به وجود می‌آید، متفاوت است. بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد از این پیامدها به‌عنوان پیامدهای همباشی ذکر شده است: کاهش سرمایه اجتماعی جوانان، تغییر روند عادی زندگی، تأثیر منفی بر کار و تحصیل، کاهش ارتباط با خانواده، کاهش تمایل به ازدواج و از دست دادن فرصت‌های ازدواج، افزایش سن

ازدواج، پنهان کاری و دروغ‌گویی، ترس از افشای رابطه و داغ‌نگ و نگرانی از آینده تجربه رفتارهای پرخطر.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی خانواده در قرن اخیر حکایت از تغییر و تحولات عمیق در این نهاد دارد. گیدنز معتقد است در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ‌کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسی - حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۱). یکی از چالش‌های مهمی که به‌طور بسیار جدی، نهاد خانواده را در عرصه روابط اجتماعی دچار مشکل نموده، تحول، دگرگونی و تغییراتی است که در نگرش‌ها، باورها، هنجارها، آداب‌ورسوم مربوط به ازدواج و همسرگزینی روی داده است (ر.ک: شکرپیگی، ۱۳۸۷). همباشی یکی از الگوهای تغییر شکل یافته ازدواج است. انقلاب جنسی اواخر دهه ۱۹۶۰ به تغییر گفتمان جنسی و تغییر اساسی در نگرش‌ها، اخلاق و رفتار جنسی در بسیاری از کشورهای غربی منجر شد که یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج در این کشورها بوده است. این الگوی روابط جنسی پیش از ازدواج به تدریج نقاط دیگر جهان را نیز فراگرفت. این دگرگونی از رابطه جنسی اسطوره‌زدایی کرد و علاوه بر افزایش سن ازدواج، زمینه‌های پیدایی همباشی را به وجود آورد (نصرتی‌نژاد و بهرامی، ۱۳۹۶: ۳۷). بر اساس نظر نازیو، گسترش همباشی در کشورهای غربی، مهم‌ترین تغییر در شکل الگوی تغییر خانواده در پنجاه سال اخیر بوده است ((ر.ک: Nazio, 2008).

جامعه ایرانی و نهاد خانواده از این تحولات در امان نبوده است. جامعه ایرانی در صدسال اخیر با قرار گرفتن در فرایند نوسازی در عرصه‌های مختلف و از جمله در حوزه خانواده دچار تحولات بسیاری شده است. یکی از این تحولات را باید در تحولات حوزه ازدواج و همسرگزینی جست‌وجو کرد. در یکی دو دهه اخیر جامعه ایرانی با پدیده همباشی مواجه شده است. انکار این پدیده اولین واکنش جامعه ایرانی بوده است و در ادامه با رواج محدود این پدیده در شهرهای بزرگ دیگر جایی برای انکار و کتمان باقی نماند. در دهه نود پژوهش‌هایی درباره بررسی ابعاد مختلف این موضوع انجام شد. این

مطالعه با فراترکیب یافته‌های مطالعات کیفی، به ارائه تفسیر جدیدی از پدیده پرداخت. ترکیب مطالعات مورد بررسی نشان می‌دهد:

(۱) بررسی واژه‌هایی که برای نام‌گذاری این پدیده استفاده شده است نشان می‌دهد در ادبیات پژوهشی برای نام‌گذاری این پدیده بیشتر از عناوینی چون: همباشی، هم‌خانگی، ازدواج سفید و هم‌بالینی استفاده شده است. به نظر می‌رسد چگونگی خوانش از این پدیده در نام‌گذاری آن مدخلیت دارد. کسانی که از دیدگاه حقوقی و وجه آسیب‌شناسانه به این موضوع ورود کرده‌اند، بیشتر تمایل دارند آن را ازدواج سیاه بنامند. مجید آقایی (۱۳۹۸) در پژوهش «واکاوی جرم‌شناسانه ازدواج سفید با رویکرد جامعه‌شناختی» معتقد است همباشی پدیده‌ای نه شرعی، نه عرفی، نه قانونی و نه سفید است که نتیجه آن جز رواج فساد و بی‌بندوباری در جامعه نیست که آسیب‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی فراوانی در جامعه دارد که از جمله می‌توان به از بین رفتن بنیان خانواده، رواج سبک زندگی غربی و آزادی‌های جنسی اشاره کرد. اعتمادی‌فرد نیز بر وجه آسیب‌شناسانه آن تأکید دارد و معتقد است: همباشی وضعیتی آستانه‌ای است که تحت عنوان ازدواج سفید نمی‌گنجد؛ بلکه نشانه نوعی آسیب و نابهنجاری در نهاد خانواده است؛ نابهنجاری که کنشگران از سر اراده و به‌منظور نقض قوانین رسمی خانوادگی صورت می‌دهند (ر.ک: اعتمادی‌فرد و حسینی، ۱۳۹۸). آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۱) از واژه هم‌خانگی برای این پدیده استفاده کرده‌اند و هم‌خانگی را زندگی مشترک دو شریک جنسی بدون ازدواج با یکدیگر می‌دانند. آزاد ارمکی و همکاران معتقدند: فرایند جهانی شدن در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیکی خود به تدریج و در طول سالیان اخیر زمینه‌های بروز انواع تغییرات اجتماعی را در حوزه خانواده در جامعه ایرانی ایجاد کرده است؛ نتیجه این تحولات و فرایندهای جامعه‌پذیری جهانی سبب شده است که روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران گسترش یابد. روابطی که به تدریج با افزایش یافتن، متکثر و متنوع نیز شده‌اند؛ تنوعی از تغییرات که هم‌خانگی نیز یکی از محصولات آن بوده است. به عبارتی، هم‌خانگی در ایران ظهور نکرد بلکه وارد شد؛ الگویی از رابطه که ریشه‌های عمیق

غربی دارد و محصول تغییرات الگوی خانواده در چند دهه گذشته در این کشورها بوده است.

(۲) این پدیده در گروه سنی جوان رواج دارد و افراد دارای تجربه همباشی عمدتاً در فاصله سنی ۲۵ تا ۴۰ سال قرار دارند.

(۳) همباشی در افراد دارای تحصیلات عالی و دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی بیشتر رواج دارد.

(۴) همباشی در کلان‌شهرها که امکان گمنامی و تضعیف نظارت اجتماعی در آن وجود دارد رواج پیدا کرده است.

(۵) بخش قابل توجهی از افراد دارای تجربه همباشی از مهاجرین به کلان‌شهرها هستند. مهاجرت شغلی و تحصیلی عمده دلیل آنان بوده است.

(۶) بررسی مدت‌زمان همباشی: اکثر افراد مدت همباشی خود را کمتر از ۵ سال ذکر کرده‌اند. به نظر می‌رسد همباشی در ایران پدیده‌ای نوظهور است.

(۷) در تحلیل این پدیده عمدتاً از نظریه نوسازی، جهانی‌شدن، تحولات فرهنگی اینگلهارت و عشق سیال گیدنز استفاده شده است.

(۸) شرایط عالی همباشی: تحولات فرهنگی اجتماعی در عرصه ازدواج و ارزش‌های خانوادگی، تقدم بلوغ جنسی بر بلوغ اقتصادی اجتماعی، استقلال مالی زنان، باورهای فمینیستی از عمده عوامل سبب‌ساز همباشی در ایران نام برده شده است.

(۹) بسترها و زمینه‌های همباشی: در این پژوهش‌ها کاهش کنترل و نظارت خانواده، تضعیف نظارت اجتماعی، ضعف اعتقادات دینی و دین‌گریزی جوانان، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش نرخ طلاق و مهاجرت‌های شغلی از عمده زمینه‌ها و بسترهای همباشی در ایران ذکر شده است.

(۱۰) شرایط مداخله‌گر: آشنایی با افراد دارای تجربه همباشی و تسهیل ارتباط، گسترش ارتباط و پیشرفت ارتباط عاطفی در فضای مجازی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر بیان شده است.

(۱۱) پیامدهای همباشی: کاهش سرمایه اجتماعی، کاهش ارتباطات خانوادگی، کاهش ارتباط با دوستان، افزایش سن ازدواج، از دست دادن فرصت ازدواج، کاهش

فرزندآوری، کاهش تمایل به ازدواج، پنهان‌کاری، داغ‌نگ، ترس از افشای رابطه، نگرانی از آینده و افزایش احتمال رفتارهای پرخطر به‌عنوان پیامدهای همباشی ذکر شده است. (۱۲) رابطه جنسی و رفع نیازهای جنسی از مهم‌ترین اصول در این نوع رابطه بیان شده است.

(۱۳) تفاوت‌های جنسیتی در همباشی: به نظر می‌رسد تفاوت‌های جنسیتی در همباشی قابل توجه باشد. اهم این تفاوت‌ها در موارد زیر خلاصه می‌شود:

الف) ارضای نیازهای جنسی و عاطفی: مردان بیشتر در این رابطه دنبال رفع نیازهای جنسی خود هستند و نیازهای عاطفی در اولویت بعدی آنان است؛ اما در زنان نیازهای عاطفی در اولویت است و رفع نیازهای جنسی در اولویت دوم قرار دارد.

ب) همباشی مقدمه ازدواج: زنان بیشتر متمایل هستند این رابطه به‌عنوان مقدمه ازدواج تلقی شود و دنبال ازدواج دائم هستند، ولی مردان عمدتاً همباشی را مقدمه ازدواج دائم تلقی نمی‌کنند و بیشتر به دنبال شریک جنسی هستند.

ج) تعهد در رابطه: از مجموعه مباحث چنین برمی‌آید زنان تعهد بیشتری در این نوع رابطه دارند و تعهد مردان کمتر گزارش شده است.

د) داغ‌نگ: ترس از افشای رابطه در زنان پیامدهای به‌مراتب شدیدتری نسبت به مردان دارد.

(۱۴) رضایت‌مندی ضامن بقا و تداوم همباشی شمرده شده است. اگرچه جدایی در این رابطه هزینه‌های اجتماعی خیلی زیادی همچون طلاق ندارد، ولی بار عاطفی زیادی بر فرد تحمیل می‌کند. ابهاماتی وجود دارد که بعضاً این رضایت جنبه تظاهری دارد و شاهد نوعی دلیل‌تراشی برای رضایت‌مندی هستیم.

(۱۵) بررسی دقیق‌تر پژوهش‌ها نشان می‌دهد با سنخ‌های مختلفی از همباشی در ایران مواجه هستیم؛ اول همباشی به‌عنوان یکی از الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج؛ دوم همباشی به‌عنوان بدیل ازدواج؛ سوم همباشی ناشی از وابستگی اقتصادی و عدم برخورداری از مسکن (در زنان مطلقه، مهاجرین زن دانشجوی و مهاجرین شغلی)؛ و چهارم رابطه همباشی منقطع که در آن با شقوق مختلفی روبه‌رو هستیم؛ گاه هر دو طرف دارای مسکن مستقل هستند و برای روزهای محدود در منزل یکی از طرفین این رابطه برقرار می‌شود؛ گاه یکی از طرفین دارای منزل مستقل است و تأمین هزینه‌ها بر

عهده اوست و در این صورت بنا به شرایطی (زندگی در خوابگاه، زندگی در منزل پدر و مادر) مدتی در هفته به دیدن او می‌رود. غالباً در این نوع همباشی رفع نیاز جنسی در اولویت است.

۱۶) اهم پیشنهادهایی که در این تحقیقات ارائه شده است، به قرار زیر است:

* کاهش نابرابری‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه و بازنگری در سیاست‌های شغلی

* تسهیل شرایط ازدواج آسان و رفع موانع ازدواج

* پرهیز از هزینه‌های سنگین در ازدواج و کاهش تشریفات پرخرج در امر ازدواج

* نظارت والدین بر فرزندان، تأکید بر رفع نیازهای عاطفی در خانواده، تعامل و گفتگو با فرزندان از دیگر راهکارهای پیشنهادی است.

* ترویج اعتقادات دینی

* رفع تبعیض‌های جنسی و تأمین آزادی‌های مشروع زنان

* کمک به شناخت کامل از پدیده با حمایت از پژوهش‌های جدیدتر و بررسی ابعاد مختلف این پدیده.

۱۷) نحوه مواجهه با این پدیده: مواجهه با این پدیده همچون بسیاری از مظاهر مدرنیته با انکار شروع شد و در ادامه رویکرد منفی‌نگرانه و برشمردن پیامدهای منفی آن ادامه یافت. در ادامه شاهد رویکرد واقع‌نگرانه به این پدیده هستیم که از سوی مراکز علمی، پژوهشی و دانشگاه‌ها در قالب انجام پژوهش‌های کاربردی و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری دنبال می‌شود. به نظر می‌رسد رویکرد واقع‌نگرانه به همباشی می‌تواند ما را در مواجهه صحیح با این پدیده کمک کند. باید در نظر داشت که اتخاذ رویکرد واقع‌نگرانه به معنای بی‌تفاوتی و انفعال در برابر همباشی و آن را ناشی از عوارض مدرن شدن جامعه ایرانی دانستن نیست. در برابر تحولات خانواده ایرانی و به‌ویژه تحولات در حوزه ازدواج و همسرگزینی باید با وسواس برخورد کرد. تا زمانی که ما تحلیل درستی از عوامل مؤثر بر همباشی و ابعاد و روند روبه‌رشد آن در جامعه ایرانی نداشته باشیم، نمی‌توان شیوه‌های مناسب مداخله را یافت. نکته آخر اینکه همباشی را باید ذیل تحولات خانواده ایرانی و تحولات خانواده ایرانی را باید ذیل تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی در صدساله اخیر تبیین و جست‌وجو کرد.

منابع

- ابراهیمی مرضیه (۱۳۹۸) مطالعه جامعه شناختی علل، زمینه‌ها و پیامدهای گرایش جوانان به هم‌خانگی (مورد مطالعه: جوانان شهر تهران)، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۸، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱-۲۷.
- احمدوند شاهرودی محمد؛ رضا پورحسین و مسعود غلامعلی لواسانی (۱۴۰۰) واکاوی پدیدارشناسانه هم‌باشی (ازدواج سفید) مورد مطالعه: جوانان شهر تهران، رویش روان‌شناسی، سال دهم، شماره ۱۱، شماره پیاپی ۶۸.
- اسمعیلی، رقیه و مهرداد اسماعیلی (۱۳۹۷) کیفیت زندگی سالمندان: مطالعه فراترکیب، پژوهش در دین و سلامت، ش، ۲، بهار.
- آزاد ارمکی تقی، شریفی ساعی محمد حسین، ایشاری مریم و طالبی سحر (۱۳۹۱) هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران، جامعه پژوهی فرهنگی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۴۳-۷۷.
- استروس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵) اصول روش تحقیق کیفی، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اعتمادی فرد سید مهدی و حسینی عزاله (۱۳۹۸) قواعد و ضرورت‌های نظام خانواده در ایران از خلال بروز تغییرات و ناهنجاری‌ها (با تأکید بر هم‌باشی به مثابه نوعی آسیب در خانواده)، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸، صص ۴۳۳-۴۶۰.
- آقایی مجید (۱۳۹۸) واکاوی جرم‌شناسانه ازدواج سفید با رویکرد جامعه‌شناختی، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، سال هفتم، شماره شانزدهم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۱۳-۱۴۵.
- اکبرزاده فاطمه و هاشمیان فر، سید علی (۱۳۹۸) از اخلاق متعارف تا اخلاق فراعرفی؛ گونه‌شناسی تجربه تعهد در ازدواج سفید، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ششم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۷۷-۳۰۶.
- امجدی فرزانه، شکرپیگی عالی‌ه و سعید معدنی (۱۳۹۹) برساخت اجتماعی ازدواج سفید، پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال چهاردهم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۹ صفحات ۶۷-۹۸.
- امیدوار پوران، دانش پروانه، جواهری فاطمه، زاهدی مازندرانی محمد جواد (۱۳۹۷) مطالعه خرده فرهنگ هم‌باشی در کلان شهر تهران (شرایط، زمینه‌ها و پیامدها)، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هجدهم، زمستان، شماره ۷۱، صص ۲۷۹-۳۲۰.
- چیت‌ساز محمد جواد (۱۴۰۰) تحولات فرهنگی اجتماعی در نسل‌های مختلف خانواده ایرانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- رشیدی نژاد زهرا و یونس واحد یاریجان (۱۳۹۸) وجوه تفاوت و تشابه ازدواج موقت با پدیده ازدواج

- سفید، فصلنامه نامه الهیات، سال دوازدهم، شماره چهل و هشتم.
- رضایی، حسن (۱۳۹۵) ازدواج سفید یا همباشی سیاه، نشریه پایش سبک زندگی، ۵ (۴)، صص ۴۲-۵۶.
- رمضانی فر حدیثه و آدیش محمد علی (۱۳۹۷) مطالعه تجربه زیسته افراد در مورد ازدواج سفید در ایران (مطالعه کیفی جوانان شهر گیلان) فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره هفتم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۹۵-۲۱۷.
- زاهدی اصل محمد، فتحی منصور و محمدزاده رقیه (۱۴۰۰) تجارب و چالشهای دختران با سابقه هم خانگی، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال بیست و یکم، بهار ۱۴۰۰، شماره ۸۰، صص ۲۷۵-۳۰۹.
- سهراب زاده مهران، نوروزی میلاد و عسکری کویری اسماء (۱۳۹۶) ازدواج سفید؛ انگیزه‌ها و زمینه‌ها، فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۸۹-۲۴۹.
- شکریبگی، عالیه (۱۳۸۷) بررسی جامعه‌شناختی تجددگرایی و سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- طییبی ابوالحسنی، سید امیر حسین و وحید خاشعی ورنامخواستی (۱۴۰۰) واکاوی سیر تطور استراتژی، سیاست نامه علم و فناوری، دوره ۱۱، ش ۲.
- فرامرزی فرزانه، مهدوی محمد صادق و ترکمان فرخ (۱۳۹۶) برساخت اجتماعی هم باشی بر اساس تجربه زیسته نمونه‌ای از هم باشان، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، صص ۹۵-۱۲۲.
- قنبریان، مهدی (۱۳۹۶) بررسی ازدواج سفید در نظام حقوقی ایران و غرب (مدرنیته)، مطالعات حقوق، ش ۱۷.
- کریمیان نادر، سالاری سمانه و ملکاری بختیار (۱۳۹۴) رابطه هم خانگی در ایران: بررسی کیفی علل و انگیزه‌های گرایش به آن، فصلنامه مطالعات روان‌شناسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۷۷-۲۰۰.
- گلچین مسعود و صفری سعید (۱۳۹۶) کلان شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد؛ مطالعه زمینه‌ها، فرآیندها و پیامدهای هم خانگی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره دهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، صص ۲۵-۵۷.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹) چشم‌اندازهای جهانی، محمدرضا جلابی‌پور، تهران، طرح نو.
- گیدنز، آنتونی با همکاری کارن بردسال (۱۳۹۱) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشرنی.
- میبینی دهکردی، علی و مهران کشتکار هرانکی (۱۳۹۵) فراترکیب مدل‌های نوآوری اجتماعی، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۲۶، بهار.

مکوندی راضیه (۱۳۹۶) نگرش زنان و مردان مجرد شهر تهران به همباشی و بررسی عوامل موثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء.
نصرتی علی و سیدابوالقاسم حسینی زیدی و موسی لشنی (۱۴۰۰) ازدواج سفید از منظر فقهی- حقوقی، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۳، شماره ۹۱، صص ۸-۱۰۶.
وینست.ان پاریلو (۱۳۹۵) دانشنامه مسائل اجتماعی، ترجمه هوشنگ نیایی و همکاران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

- Aguirre, R. T. & Bolton, K. W. (2014) Qualitative interpretive meta-synthesis in social work
- Barlow A (2007) *cohabitation and the law* (3rd ed), London, Butterworth, 1.
- Finfgeld-Connett, D. (2006) *Meta-synthesis of Qualitative Health Research: A Practical Guide to Meta-Analysis and Meta-Synthesis*. Vol 3. London: Sage
- Fox, L. (2014) *The Science of Cohabitation: A Step toward Marriage, Not a Rebellion*. The Atlantic.
- Macklin, E.D (1980) "Nonmarital heterosexual cohabitation", Pp, 285-307 In *Family in Transition*, A, Skolnick & J, H, Skolnick eds, Boston Little Brown.
- Nazio T, *Cohabitation* (2008) *Family & Society*, Routledge; 2008
- Sandelowski, M., (2008) Reading, writing and systematic review. *Journal of Advanced Nursing*, 64(1), pp. 104-10.
- Ring, N., Jepson, R. & Ritchie, K. (2011) Methods of synthesizing qualitative research studies for health technology assessment. *International Journal of Technology Assess Health Care*, 27(4), p. 384-90.
- YuJ, XieY (2015) Cohabitation in China: Trends and determinants. *Population-and Development Review*;41(4): 607-28.